



از زمان خواستگاری تا ازدواج ۳ ماه طول کشید. مهریه‌ام ۶ هزار و ۵۰۰ تومان بود که آن را هم وقتی اندرزگو می‌خواست به مکه برود برای سفر حج، بخشیدم.

۹۰

حاج آقا دکتر شده بود

در یکی از سفرها، ۴ قبضه اسلحه کمری (کلت) و تعدادی خشاب به‌دور کمرم بستم و لباس‌هایم را روی آن پوشیدم. کار خطرناکی بود ولی چون خودم را کنار آقا می‌دیدم هیچ اضطراب و ترسی نداشتم. آقا ریشش را تراشیده بود، عینکی به‌چشم زده و کت و شلوار قهوه‌ای رنگ شیکی پوشیده بود. عنوانش هم دکتر بود. من هم باید نقش زن دکتر را بازی می‌کردم. به نخستین پاسگاه خارج از زابل که رسیدیم درجه‌دار درشت هیکل و بدقیافه‌ای آمد داخل اتوبوس و گفت که همه باید پیاده شوند. پیاده شدیم. بدترین زمان وقتی بود که گفت همه مسافرها چه زن و چه مرد باید بازرسی شوند. آقا با دیدن این وضعیت با آرنج به پهلو من زد و من هم طبق آموزش‌هایی که ایشان داده بود، خودم را زدم به دل درد و آه و ناله. مأمور پاسگاه گفت برای اینکه حالم بهتر شود به پاسگاه برویم. داخل که شدیم دیدم یک عکس بزرگ آقا سید علی را به‌عنوان تحت تعقیب روی دیوار زده‌اند. آقا با دیدن این عکس خیلی سریع برگشت. همه را بازرسی کرده بودند و اتوبوس منتظر ما بود. با خونسردی و عادی سوار شدیم و رفتیم.

منتظر بوم‌م که بیاید

روزهایی که قرار بود امام (ره) بیاید، ما هر لحظه انتظار می‌کشیدیم که ایشان هم بیاید. خیلی چشم‌انتظار بوم‌م که او را کنار امام (ره) بینیم. امام که آمد، چند نفر آمدند و ما را پیش ایشان بردند. آنجا بود که فهمیدم آقا شهید شده است. وقتی امام خبر شهادت او را به ما داد باور نمی‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، «تهرانی» شکنجه‌گر معروف ساواک در اعتراضاتش قضیه شهادت سید را تعریف کرد و نشانی مزار او را در بهشت‌زرها به ما داد. آن روز که ما را سر مزار آقا بردند، خیلی گریه کردم. ۵-۶ ماه انتظار کشیده بودم تا او را ببینم، ولی حالا سنگ سرد قبری را نشانم می‌دادند که می‌گفتند شوهرم، پدر ۴ فرزندم زیر آن خوابیده است. الان هم آقا در قطعه ۳۹ زیر سنگی ساده و غریب خفته است؛ غریب غریب.



معرفی کوتاه

سید علی اندرزگو در رمضان سال ۱۳۱۸ شمسی، در خیابان شوش تهران در یک خانواده متوسط متولد شد. با وجود سختی‌های معیشتی زندگی، به تحصیل پرداخت و علوم حوزوی را نیز فرا گرفت. وی در نوجوانی با شهید نواب صفوی آشنا شد. منش و شخصیت این روحانی مبارز در ذهن و ضمیر او اثری ژرف گذاشت و نتیجه‌ی این تأثیر روحی، آشنایی با تشکیلات فدائیان اسلام و راه مبارزاتی آن‌ها بود که در تعیین مشی مبارزاتی شهید اندرزگو نقش بسیاری داشت. شهید اندرزگو فعالیت‌های مبارزاتی خود علیه رژیم را از همان نوجوانی آغاز کرد. با دستگیری همه‌ی همراهانش که در ترور منصور نقش داشتند، شهید اندرزگو زندگی مخفی خود را آغاز کرد و ساواک مدت ۱۵ سال سایه‌وار دنبال او می‌گشت. شهید اندرزگو، از اعضای شاخه نظامی هیئت‌های مؤتلفه بود که تا پایان عمر مهمترین اشتغالش مبارزه و فعالیت برای سرنگونی رژیم ستمشاهی بود؛ سرانجام پس از سال‌ها مبارزه با رژیم پهلوی، در ۲ شهریورماه سال ۱۳۵۷ در کمین نیروهای ساواک گرفتار شده و به شهادت رسید.

درخواست‌های قلب به امام (ره)

- وصیت: برادران طلبه! اکنون وظیفه ما از همیشه سنگین‌تر است. چرا که اکنون با آشکار شدن قدرت شگفت‌انگیز اسلام در هجوم فرهنگی دشمنان اسلام هدف اول حوزه‌های علمیه تشیع است. زیرا حوزه‌های علمیه هستند که مبانی انقلاب اسلامی را تبیین می‌کنند و روحانیت است که روح تعهد و فداکاری در راه آن را به کالبد فطرت‌های پاک می‌دمد. پس روحانیت به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای قدرت‌های استکباری هدف توطئه‌هاست.
- نکته: شهیدی که در زمان بستری شدن امام (ره) با حضور در بیمارستان درخواست کرد تا قلبش را به امام (ره) اهدا کند.

